عنوان:

دو مبنا در وجه استحاله ضدین

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-m-139 |
| موضوع | منطق/اقسام تقابل |
| موضوع مرتبط |  |
| رده | علمی/علوم عقلی/منطق/تحقیقی پژوهشی/دانش منطق/تبیین |
| برچسب | آیت الله شب‌زنده‌دار، اقسام تقابل، محالات ذاتیه، تناقض، تضاد، استحاله عقلی |
| توضیحات | محتوای این فایل نقل قولی است از استاد معظم دروس سطوح عالی حوزه علمیه قم، آیت الله شب‌زنده‌دار حفظه‌الله در درس خارج اصول سال تحصیلی 1402-1401/جلسه 37. (با اندکی تصرف) |

* **نظر مشهور:**

عده‌ای از مناطقه و فلاسفه و بزرگان می‌گویند اجتماع ضدین هم امتناعش برمی‌گردد به اجتماع نقیضین و الا خودش یک مستحیل در قبال آن نیست. این‌جا هم این است وقتی می‌گویید سفید است اگر بخواهد «سفید است» با «سیاه است» جمع بشود «سفید است» یعنی «سیاه نیست». از آن طرف با این‌که فرض این است که سیاه نیست چون لازمه‌ی سفید است این‌که سیاه نیست بخواهد «سیاه باشد» پس اجتماع سیاه بودن با سیاه نبودن جمع می‌شود می‌شود اجتماع نقیضین. فلذا برمی گردانند به اجتماع نقیضین و ارتفاع نقیضین و می‌گویند ما محال بالاصاله‌ای جز این نداریم

* **نظر محقق اصفهانی:**

بعضی از بزرگان هم مثل مرحوم محقق اصفهانی قدس‌سره ایشان می‌فرمایند نه، یعنی ذهن اگر چه غافل بشود از آن حیث باز هم می‌گوید نمی‌شود، منافات ندارد که ملازمه داشته باشد اما خودش هم مناط باشد برای استحاله. یعنی می‌گوید سیاه و سفید با هم جمع نمی‌شود نه برای اینکه «سفید است» معنایش این است که سیاه نیست. اصلاً اگر ذهن غفلت از این حالت هم داشته باشد می‌گوید سفید و سیاه با هم جمع نمی‌شود.[[1]](#footnote-1)

1. . دقت شود که بحث از تقابل نزد مناطقه از احکام الفاظ است به اعتبار مفاهیم و نبایست با نگاه فلسفی که در آن با محور مصادیق مورد بررسی قرار می گیرد، خلط گردد. ظاهراً مبنای بحث بالا، نگاه نخست است. [↑](#footnote-ref-1)